

پرسش ۶۹: «و اعدوا الله و لا تشركوا به شيئاً... مختلاً فخوراً»

السؤال / ۶۹: قال تعالى: (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا) [165].
ماذا تعني هذه الآية الكريمة والسلام؟

المرسل: ابراهيم رغيل

خداوند متعال می فرماید: «خداى را بپرستيد و هيچ چيز شريك او مسازيد و با پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه‌ی خویشاوند و همسایه‌ی بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید؛ هر آینه خداوند متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد» [166].

معنى این آیه‌ی کریم چیست؟ والسلام.

فرستنده: ابراهيم رغيل

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

(وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا): المراد هنا الاخلاص في عبادة الله سبحانه، بطاعة خليفته الذي استخلفه على خلقه، وتجنب طريق إبليس لعنه الله في رفض السجود لخليفة الله، فإن الله يعبد من حيث يريد هو سبحانه لا من حيث يريد العبد، وإلا كان مشركاً وتابعاً لإبليس لعنه الله [167].

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

«وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا»: مراد از این کلمات اخلاص در عبادت خداوند سبحان، از طریق اطاعت از خلیفه‌ای که جانشین خود بر خلقش نموده است و دوری کردن از راه ابلیس لعنت الله که از سجده بر خلیفه‌ی خدا امتناع نمود، می‌باشد. خداوند آنگونه که خود سبحان و متعالش می‌خواهد باید پرستیده شود نه آنگونه که بنده بخواهد، که در این صورت، مشرک و پیرو ابلیس که لعنت خدا بر او باد، خواهد بود([168]).

(وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا): الرسول محمد(ص) والإمام علي (ع) هما الوالدان.

«وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»: رسول خدا حضرت محمد(ص) و امام علی(ع) والدین و پدران امت می‌باشند.

قال رسول الله محمد (ص) لعلی (ع): (يا علي ... أنا وأنت أبوا هذه الأمة فلعن الله من عقنا...)([169])،([170]).

رسول خدا(ص) به امام علی(ع) فرمود: «ای علی... من و تو پدران این امت هستیم؛ پس لعنت خدا بر کسانی که عاقشان کنیم (حق فرزندیمان را به‌جا نیاورند)....»([171]).([172])

(وَبِذِي الْقُرْبَى): هم آل محمد وبالخصوص الحسن والحسين.

«وَبِذِي الْقُرْبَى»: آنها آل محمد(ع) و به خصوص حسن و حسین(ع) می‌باشند.

قال تعالى: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ) ([173]).

خداوند متعال می‌فرماید: « بگو: بر این رسالت مزدی از شما طلب نمی‌کنم مگر دوست داشتن خویشاوندان و هر که کار نیکی کند به نیکویی اش می‌افزاییم که خداوند آمرزنده و شکرپذیر است » ([174]).

(وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ): والیتیم هو الفرد في قومه الذي لا نظير له فيهم ([175]).
والمسكين هو المضطر إلى الله، وآل محمد هم الیتامی فلا نظیر لهم، وهم مساکین الله المتضرعون إليه سبحانه في كل زمان ومكان وحال ([176]).

«وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ»: یتیم یعنی کسی که در قوم خودش نظیری ندارد و تنها است ([177]) و مسکین یعنی کسی که فقط به خدای متعال روی آورده است. آل محمد، همه یتیم هستند چرا که نظیری برای آنها وجود ندارد و آل محمد، مسکینان خداوند نیز می‌باشند چرا که آنها در هر حالت و در هر مکان و زمان به سوی خداوند سبحان روی می‌آورند ([178]).

قال تعالى: (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِأَلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) ([179]). والميثاق أخذ على بني اسرائيل وغيرهم من العباد، على موالاته ولي الله وحجته وخليفته سبحانه. ففي هذه الآية أيضاً الوالدان وذو القربى والیتامی والمساکین هم محمد(ص) وعلی (ع) والأئمة (ع) والمهديون من آل محمد(ص).

خداوند متعال می‌فرماید: « آن هنگام را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر خویشاوندان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید و با مردمان سخن نیک گوید » ([180]). و عهد و میثاقی که از بنی اسرائیل و دیگر بندگان گرفته شد، پیروی از ولیّ خدا و حجّت او و جانشین او سبحان و متعال می‌باشد. در این آیه نیز والدین و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، حضرت محمد(ص) و علی(ع) و ائمه و مهدیین از آل محمد(ع) می‌باشند.

قال تعالى: (أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا) ([181])، والناس في هذه الآية هم محمد وآل محمد.

خداوند متعال می‌فرماید: «یا بر مردم به خاطر نعمتی که خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است، حسد می‌برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و فرمان‌روایی بزرگ ارزانی‌شان داشتیم» ([182]) و در این آیه، «الناس» (مردم) همان محمد و آل محمد (ع) هستند.

(وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) أي: أحسن ما يقال.

«و با مردم به نیکویی سخن گوید»: یعنی هر چه گفته می‌شود را نیکو بدار.

(وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ) أي: قولوا للناس وفيهم ما تحبون أن يقال لكم وفيكم، وعاملوهم بما تحبون أن يعاملوكم، (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا).

«و همسایه‌ی خویشاوند و همسایه‌ی بیگانه و یار مصاحب و مسافر رهگذر و بندگان خود نیکی کنید»: یعنی به مردم و درباره‌ی آنها آنچه دوست دارید به خودتان و درباره‌ی خودتان بگویند، بگویند و آن گونه که دوست دارید با شما رفتار شود، با آنها رفتار نمایند، «و با مردم به نیکویی سخن گوید».

(إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا) أي: إنَّ الله لا يحب من كان تابعاً لإبليس (لعنه الله) في تكبره على آدم (ع)، والله يحب النفوس الطيبة المباركة الساجدة المطيعة المحبة لخليفته سبحانه (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) ([183]).

«هر آینه خداوند متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد»: یعنی خداوند کسی که در تکبر ابلیس (لعنت الله) بر آدم (ع)، از او پیروی کند را دوست نمی‌دارد و خداوند

جان‌های پاکِ مبارکِ سجده‌کننده‌ی مطیعِ دوست‌دارِ خلیفه‌ی خود را دوست می‌دارد:
« بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد و
گناهانتان را ببامرزد، که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است » ([184]).



[165] - النساء: 36.

[166] - نسا: 36.

[167] - عن أبي بصير، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: ("لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ" يعني بذلك. ولا تتخذوا إمامين، إنما هو إمام واحد) بحار الأنوار: ج 32 ص 357. (المعلق).

[168] - از ابو بصیر نقل شده است که گفت: شنیدم ابا عبد الله (ع) می‌فرمود: «لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ» (دو خدا را مپرسستید و جز این نیست که او خدای یکتا است) منظور این است که از دو امام پیروی نکنید که امام، یکی است». بحار الانوار: ج 32 ص 357.

[169] - بحار الانوار: ج 36 ص 6.

[170] - عن جعفر بن محمد بن سعيد، باسناده عن الصادق (ع)، في قوله تعالى: (وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا) قال: (إن رسول الله (ص) وعلي بن أبي طالب (ع) هما الوالدان، (وَبِذِي الْقُرْبَى) قال: الحسن والحسين (عليهما السلام). بحار الأنوار: ج 32 ص 269. (المعلق).

[171] - بحار الانوار: ج 36 ص 6.

[172] - از جعفر بن محمد بن سعید با سند خودش از امام صادق (ع) درباره‌ی این سخن خداوند متعال «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» نقل شده است که فرمود: «رسول خدا (ص) و علی بن ابی طالب (ع) پدران این امت هستند و «وَبِذِي الْقُرْبَى» فرمود: حسن و حسین (علیهم السلام) می‌باشند». بحار الانوار: ج 32 ص 269.

[173] - الشوری: من الآية 23.

[174] - شوری: بخشی از آیه 23.

[175] - عن عباية بن ربعي، عن ابن عباس، قال: سئل عن قول الله: (الَّذِينَ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَى) قال: (إنما سمي يتيمًا؛ لأنه لم يكن له نظير على وجه الأرض من الأولين والآخرين، فقال عزوجل: ممتناً عليه نعمه: (الَّذِينَ يَجِدُكَ يَتِيمًا) أي وحيداً لا نظير لك...). بحار الأنوار: ج 61 ص 141.

وقال علي بن إبراهيم القمي (رحمه الله): ثم قال: (الَّذِينَ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَآوَى) قال: (اليتيم الذي لا مثل له، ولذلك سميت الدرّة: اليتيمة؛ لأنه لا مثل لها) بحار الأنوار: ج 61 ص 142.

وعن أبي جعفر (ع) في حديث: (... فَالَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ) يقول: (ما أعلمك، وكل شئ في القرآن (ما أدراك) فهو ما أعلمك (يَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ) يعني رسول الله (ص)، والمقربة: قرباه (أَوْ مِسْكِيناً ذَا مَقْرَبَةٍ) يعني أمير المؤمنين (ع) مترب بالعلم). بحار الأنوار: ج 42 ص 282. (المعلق).

[176] - عن عمرو بن أبي المقدم، عن أبيه، قال: سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عزوجل: (مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ) فقال أبو جعفر (ع): (هذه الآية نزلت فينا خاصة، فما كان لله وللرسول فهو لنا ونحن ذوا القربى. ونحن المساكين لا تذهب مسكنتنا من رسول الله (ص) أبداً، ونحن أبناء السبيل فلا يعرف سبيل إلا بنا، والأمر كله لنا) بحار الأنوار: ج 32 ص 258. (المعلق).

[177] - از عباية بن ربعی از ابن عباس نقل شده است که گفت: در مورد این سخن خداوند متعال «الْمَ يَجِدْكَ يَتِيماً فَأَوَى» (آیا خداوند تو را یتیم نیافت، پس پناهت نداد؟) پرسیده شد. گفت: «فقط به این دلیل یتیم نامیده شد که بر روی زمین از اولین تا آخرین، هیچ نظیر و مانندی برای او وجود نداشته است. بنابراین خداوند عزوجل که نعمت‌هایش را بر او ارزانی داشت می‌فرماید: «الْمَ يَجِدْكَ يَتِيماً» یعنی تنها هستی و نظیر و همانندی نداری». بحار الانوار: ج 61 ص 141.

علی بن ابراهیم قمی (رحمه الله) می‌گوید: «سپس فرمود: «الْمَ يَجِدْكَ يَتِيماً فَأَوَى» یتیم، کسی است که همانند و نظیری ندارد؛ گوهر از این رو یتیمه نامیده می‌شود که همانندی ندارد (الذره الیتیمه)». بحار الانوار: ج 61 ص 142.

از ابو جعفر (ع) در حدیثی طولانی نقل شده است که فرمود: «... فَالَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ» (و از آن گذرگاه سخت عبور نکرد * و تو چه دانی که گذرگاه سخت چیست؟) می‌فرماید: چه کسی به تو یاد داد در حالی که همه چیز در قرآن است «مَا أَدْرَاكَ» (و تو چه می‌دانی) و او همه چیز را به تو آموخت «يَتِيماً ذَا مَقْرَبَةٍ» (یتیمی که خویشاوند است) یعنی رسول خدا (ص) و «المقربة» نزدیکش نمود و «أَوْ مِسْكِيناً ذَا مَقْرَبَةٍ» (یا مسکینی خاک‌نشین) یعنی امیرالمؤمنین (ع) خاکی که به علم آغشته می‌باشد». بحار الانوار: ج 42 ص 282.

[178] - از عمر بن ابو مقدم از پدرش نقل شده است که گفت: از ابا جعفر (ع) در مورد این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ» (آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خدا است و از آن پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده). ابو جعفر (ع) فرمود: «این آیه در خصوص ما نازل شد و هر چه برای خدا و رسول خدا (ص) بود، برای ما نیز هست. ما «ذی القربی» (خویشاوندان) هستیم و ما مساکین هستیم و مسکنت (نیازمندی) ما هیچ گاه از رسول خدا (ص) دور نخواهد شد. ما «ابناء سبیل» (در راه ماندگان) هستیم که هیچ راهی جز به وسیله‌ی ما شناخته نخواهد شد و تمامی امور از آن ما است». بحار الانوار: ج 32 ص 258.

[179] - البقرة: 83.

[180] - بقره: 83.

[181] - النساء: 54.

[182] - نسا: 54.

[183] - آل عمران: 31.

[184] - آل عمران: 31.